

استاندارد و استاندارد سازی در نظامهای تحلیل موضوعی: وضعیت کنونی و مسیرهای آینده^۱

نوشته نانس ویلیامسون
ترجمه فاطمه نوشین فرد

چکیده: ساختن استانداردهای بین‌المللی در نظامهای بازبایی اطلاعات جهت تبادل مؤثر اطلاعات و تحویل مدارک به صورت الکترونیکی در سطح ملی و بین‌المللی برای زمان حال و آینده ضروری است. عامل مهم در توانایی بازبایی و دسترسی مؤثر به مدارک و اطلاعات، پاسخ به پرسشها براساس محتوای موضوعی آنهاست. مهمتر از آن استانداردسازی زبانهای نمابه‌سازی و بازبایی توسط واژگانه‌های کنترل شده یک زبانه با چند زبانه و نظامهای دارای قابل مستند است. ماهیت استانداردسازی مربوط به دستیابی موضوعی به نظامهای پیوسته است. موضوعهای مطروحه در این مقاله عبارتند از: اساس استانداردها؛ ضرورت استانداردها؛ مشکلاتی که توسط استانداردها و توسعه آنها ایجاد می‌شود؛ و ماهیت کلی استانداردها و دستورالعمل‌های موجود در حال حاضر.

۱. اساس استانداردها چیست؟

همان‌گونه که در فرهنگ معاصر انگلیسی آکسفورد تعریف شده استاندارد عبارت است از "عین، کیفیت، یا مقیاسی که به عنوان مأخذ یا نمونه یا اساس به کار می‌رود و بقیه می‌بایست مطابق آن باشند، نسبت به آن مورد داوری قرار گیرند یا میزان لازم یا مشخصی از برتری است". به علاوه، فرایند استانداردسازی به عنوان امر تطبیق یا یک استاندارد توصیف شده است. همان‌گونه که از تعاریف فوق برمی‌آید استانداردسازی دارای معانی متفاوت در زمینه‌های

1. Nancy Williamson, "Standards and standardization in subject Analysis systems: Current Status and Future Directions" in: *IFLA Satellite Meetings*, 17-18 Aug., 1993, Lisbon.

مختلف است. به بیان رسمی‌تر استاندارد مجموعه‌ای از قوانین و مقررات است که توسط برخی نهادهای ذیصلاح جهت استفاده سازمانها، دفاتر نمایندگی و مؤسسات در سطح ملی و بین‌المللی وضع و تصویب شده است. در این مفهوم استانداردها اجباری هستند نه اختیاری، و ممکن است توسط دولتها یا نهادهای علمی، از جمله بعضی از انواع انجمنهای حرفه‌ای، اجرا گردند. به عنوان مثال، امکان دارد دولتها استانداردهایی برای بهداشت یا رفاه جمعیت یک کشور وضع نمایند، اما انجمنهای پزشکان یا وکلای استانداردهایی برای اصول اختلاقی به عنوان مأخذی جهت اعضای خود تعیین می‌کنند که تضمین می‌نماید آنها در سطح قابل قبولی به خدمت ادامه دهند و از الگوی رفتاری معینی پیروی کنند. جایی که فقدان استانداردها منجر به تهدید زندگی یا وضع آشفته گردد این نوع استاندارد ضروری است. استانداردهای کتابداری و اطلاع‌رسانی اگر چه اندک هستند ولی در این مقوله جای می‌گیرند.

استانداردهایی نیز هستند که به صورت دستورالعمل ارائه می‌گردند. دستورالعمل در قالب "اصل دستورالعمل" تعریف می‌شود که مستلزم وجود قاعده یا قانونی بنیادی است که مبنای عمل قرار می‌گیرد. در شرایط عملی، دستورالعملها قوانین یا بیانیه‌هایی هستند که راهنمایی جهت اجرا یا طرز اجرای کار فراهم می‌سازند. عموماً چنین قوانینی حاصل توافق گروههای مطلع و ذیصلاح متخصصان است و به عنوان مأخذی مطلوب برای اعمال و سنجش آنها پذیرفته شده است. لیکن واژه دستورالعمل می‌رساند که قواعد آن بیشتر حالت تجویزی دارند تا اجباری، و در نتیجه در بعضی موارد به کار می‌روند. در علم کتابداری و اطلاع‌رسانی بیشتر تمایل به تعیین دستورالعمل است تا استانداردهای اجباری، بدین طریق به هر سازمان و مؤسسه‌ای اجازه می‌دهند تا خود در مورد به کارگیری دستورالعملها تصمیم‌گیری کند و هرکجا که لازم می‌داند از آنها به صورت کلی یا جزئی استفاده نماید.

سومین روش استانداردسازی که از رسمیت کمتری برخوردار است، استفاده مشترک از ابزار یا وسیله خاصی است. یعنی ابزاری مثل فهرست سرعنوان موضوعی به عنوان معیار پذیرفته شده که با کمی قصور و اغماض استاندارد می‌گردد. این نوع استاندارد در نتیجه توافق ایجاد می‌شود نه از طریق قانونگذاری و غالباً روش ساده انجام کار را به همراه درجه‌ای از کارایی و حداقل هزینه ارائه می‌کند. این نوع استاندارد نیز اغلب در حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲. چرا استاندارد ضروری است؟

پاسخهای روشن فراوانی برای این سؤال وجود دارد: ایجاد نظم از آنچه به صورت دیگر

می تواند هرج و مرج باشد، بانضمین ثبات؛ نیل به درجه قابل قبولی از تعالی، و ارتقاء خدمت مؤثر. با این همه، تمایلی ساده برای بهبود کیفیت، به تنهایی به ایجاد استاندارد نمی انجامد، بلکه ضرورت و نیازهای شناخته شده می بایست ما را ناگزیز سازد تا آنها را ایجاد کنیم و به کار گیریم. این نیازها اغلب توسط نتایج عملی تر تعیین می گردد که نقش مهمی در توسعه و تکمیل استانداردها ایفا می کنند. به ویژه گفته می شود که وجود استاندارد از هزینه ها می کاهد یا هماهنگی با استانداردها می تواند دوباره کاری را به حداقل برساند. برای مثال، تحلیل موضوعی مدارک می تواند یک بار انجام گردد و نتایج آن با دیگران تقسیم شود. اشتراک راهی برای کاهش هزینه ها و در دسترس گذاشتن سریعتر مدارک است. بیشتر فعالیتهای کتابشناختی تکراری است و با پرهیز از تکرارکاری که قبلاً توسط سازمان دیگری صورت گرفته به میزان قابل ملاحظه ای در هزینه ها صرفه جویی می گردد، همچنین استانداردسازی ثبات و سازگاری را در استفاده از نظامهای واژگانی یا رده بندی ارتقاء می دهد ولی لزوماً ثبات و سازگاری در استفاده از واژگان یا نظامهای رده بندی را تضمین نمی کند. استفاده کنندگان اگر با این استانداردها آشنا باشند مشکلات جست و جو و بازیابی آنها کاهش می یابد. از این رو، استاندارد سازی در نظامهای اطلاع رسانی، با استفاده از فایل های پایگاههای اطلاعاتی، رفتن از یک نمایندگی به نمایندگی دیگر و گشتن میان قفسه ها را تقلیل داده است. استانداردسازی در آموزش حرفه های اطلاع رسانی نیز حائز اهمیت است. اصول و روشها می بایست به دانشجویان تدریس شود تا آنها قادر باشند در انواع مختلف سازمانهای اطلاع رسانی به طور مؤثر فعالیت کنند. در بعضی موارد استانداردسازی، موجب غلبه بر مشکلات زبانی می شود، هرچند زبان یکی از بزرگترین مشکلات در نیل به استانداردسازی است.

۳. مشکلاتی که توسط استانداردها ایجاد می شود

اگر دلایلی برای داشتن استانداردها وجود دارد دلایلی نیز برای نداشتن و یا حداقل، به کار نبردن آنها وجود دارد. یک استاندارد ممکن است بهترین خدمت را برای تمام استفاده کنندگان فراهم نکند. تحقیقات نشان می دهد که جویندگان اطلاعات دارای طیف وسیعی از نیازها، در مواقع متفاوت و تحت شرایط مختلف، هستند. از این رو استانداردهایی که هنگام استفاده برای گروهی از استفاده کنندگان سودمند واقع می شوند ممکن است در محیط اطلاعاتی دیگر نامناسب باشند. بیشتر استانداردها برای کسانی که آنها را به کار می برند و از آنها استفاده می کنند تا اندازه ای محدودیتهایی فراهم می کنند. به ناچار استاندارد یک مصالحه است. به علاوه استانداردسازی ممکن است ارزشزاتر باشد ولی لزوماً باعث بهبود کیفیت نگردد. استانداردها

ممکن است در یک سازمان، از اعتبار بالایی برخوردار باشند، ولی در سازمان دیگری همان استانداردها برای برآوردن نیازها در سطح بسیار پایینی عمل کنند. نتیجه، بهبود کیفیت در بعضی سازمانهای اطلاع‌رسانی و کاهش کیفیت در سایر سازمانها خواهد بود. استانداردها همیشه به آسانی اجرا نمی‌گردند. در وضعیتهای زندگی و مرگ نظیر حدود سرعت در بزرگراهها یا پذیرش داروهای بقای زندگی، دلایل ناگزیر کننده‌ای برای کاربرد استاندارد وجود دارد که مورد استفاده از واژگانه‌های کنترل شده تا آن حد نیست. از آن جایی که در جامعه اطلاعاتی دستورالعملها قانوناً وضع نشده‌اند، همان اجبار برای تطابق دقیق با استانداردها وجود ندارد. لیکن تحقیقات حاکی از آن است که دلایل محکمی وجود دارد که به دلیل با صرفه بودن کتابشناسیها و فایل‌های مارک، پیشینه‌های کتابشناختی آنها مورد قبول واقع می‌شوند و می‌بینیم که در این وضعیت عمدتاً به دلایل اقتصادی، این پیشینه‌ها بدون تغییر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

هیچ‌گاه کاربرد یک استاندارد برای همه، بدون در نظر گرفتن نیازها و شرایط، مورد نظر نبوده است. در سراسر جهان استانداردها می‌بایست براساس تناسبشان با وضعیت ویژه به کار روند و صرفاً به جهت ارزش ظاهری پذیرفته نشوند. متأسفانه عواملی از جمله هزینه‌های آشکار، عامل تعیین کننده هستند، زیرا هزینه‌های غیرآشکار به آسانی قابل اندازه‌گیری نیستند. برای مثال، فهرست‌نویسی موضوعی ممکن است سریع و کارساز باشد، لیکن میزان رضایت یا عدم رضایت استفاده‌کنندگان یا ناتوانی کتابدار مرجع را به دست نمی‌دهد.

نگرش خوب و یا بد نسبت به استانداردها تا حد زیادی به ما بستگی دارد و برکار ما تأثیر می‌گذارد. بسیاری از جنبه‌های فهرست‌نویسی از جمله فهرست‌نویسی موضوعی در مؤسسات مختلف تکراری است و نیاز به تبادل پیشینه‌های کتابشناختی در سطح ملی و بین‌المللی است. بعلاوه به منظور صرفه‌جویی و با استفاده از تکنولوژی کامپیوتر که امکان ارتباط را در مقیاسی بسیار وسیعتر نسبت به نظامهای دستی، فراهم آورده، تمایل به استانداردسازی جذابیت بیشتری یافته است. کتابخانه‌ها و سازمانهای اطلاع‌رسانی دیگر خودکفا نیستند و می‌بایست در موضعی باشند که با برقراری ارتباط، داده‌های کتابشناختی و دیگر اطلاعات را با جهان مبادله کنند. وجود تکنولوژی پیچیده ارتباطات منجر به ایجاد سازمانهای اطلاعاتی تخصصی مثل گالریها و موزه‌های هنری گردیده است که خود آنها نیز نیازمند استانداردهایی در زمینه فهرست‌نویسی موضوعی و نمایه‌سازی هستند که می‌بایست به طور جدی بررسی گردند. زیرا قبلاً هرگز این کار انجام نشده است. در صورتی که استانداردسازی به صورت معقولانه به کار رود می‌تواند مفید باشد. اکنون بیشترین نگرانی این است که هزینه‌ها از خود استانداردها اهمیت بیشتری یافته

است. خطر آن نیست که استانداردها و دستورالعملها از بین خواهند رفت، بلکه از بهایشان کاسته خواهد شد. در واقع شواهد نشان می‌دهد که این فرسایش و افول چندی است که آغاز شده است.

۴. توسعه استانداردها

به مفهوم رسمی، استانداردها و دستورالعملها از بالا تحمیل می‌شوند و نهایتاً نتیجه مصالحه هستند. در واقع، غالباً استانداردها حاصل طبیعی کار مؤسسات خصوصی و نتیجه توافق کلی طی یک فرایند تکاملی است که در آن فرایند، عملاً چیزی در طی زمان پذیرفته شده و به صورت خط مشی تصویب می‌گردد. نیل به مرحله استاندارد معمولاً تدریجی است و اغلب با موانعی همراه است که سیر تکامل را کند می‌سازد.

نتیجه نهایی باید از طرق زیر حاصل گردد: آگاهی از آنچه در سازمانهای مختلف مؤثر واقع می‌شود و آنچه در آنها مؤثر واقع نمی‌شود، از آزمون و خطا، و بالاخره از تغییر و سازگاری. مجموعه دانش مورد نیاز جهت تثبیت استانداردها یا دستورالعملها می‌بایست از منابع متعددی اخذ شود و براساس نظریه و عمل و ترجیحاً هر دو باشد. استانداردها و دستورالعملها براساس نیاز مشخصی پیش‌بینی می‌شوند. اساس اکثر استانداردها در ابتدا بسیار تجربی و در سطح پایین بوده است. آنها اغلب از خط مشی‌های تعیین شده در مؤسسات خصوصی اقتباس شده است، جایی که بعضی قوانین و مقررات برای کمک به وضعیت محلی و برای نیل به عملکردهای مؤثر تصویب می‌شوند. در صورتی که بیش از یک سازمان همان قوانین و مقررات را اقتباس کنند، آنگاه مؤسسات پیرو این قوانین و مقررات برای آن گروه، استانداردها یا دستورالعملهایی ایجاد کرده‌اند. هر قدر سازمانهای بیشتری آن قوانین را بپذیرند اعتبار استانداردها افزایش می‌یابد. نهایتاً امکان دارد آنها دارای نیروی بالقوه برای استاندارد شدن در سطح ملی باشند و سرانجام تأییدی بر توسعه استانداردهای بین‌المللی داشته‌باشند. این نوع فرایند در تاریخچه قوانین فهرست‌نویسی از زمان ظهور آنها در نوآیند موزه بریتانیا تا ظهور قوانین فهرست‌نویسی آنگلو آمریکن دیده می‌شود. مشابه آن استفاده از سرعنوانهای موضوعی کتابخانه‌کنگره در سطح ملی و بین‌المللی این واژگان را به صورت استاندارد در آورده است. کاربرد استانداردها خواه نتایج خوب یا بد به بار آورد به ناچار کیفیت عمل یا محصولی را تثبیت می‌کند که قابل قبول پنداشته شده است.

به راستی فرایند توسعه استانداردها بسیار پیچیده و وقت‌گیر است و شامل نشستهای متعدد کمیته، مراحل مشورت، تغییر و تصحیح مجدد، تجدید نظر توسط نهادها و اشخاص علاقه‌مند، تصحیح مجدد، تأیید، انتشار و سپس تجدید نظر مداوم، و نهایتاً در بسیاری موارد هماهنگی با

سایر استانداردها است. ایجاد توافق کلی کارآسانی نیست و با تفاوت‌هایی که در زبان، اصطلاحات علمی و فنی و طرز عمل وجود دارد این فرایند به مراتب پیچیده‌تر است. این مسئله به ویژه در حوزه‌ای مانند تحلیل موضوعی که هدف استانداردسازی خود زبان است صدق می‌کند. با این وجود، چون جامعه اطلاعاتی سریعاً وارد قرن بیست و یکم می‌شود شکی نیست که استانداردها و دستورالعملها به دلایل زیر اهمیت بسیار می‌یابند:

۱. افزایش تحقیق و انتشارات در سطح بین‌المللی؛
۲. افزایش سهولت در ارتباطات الکترونیکی؛
۳. نیاز مشترک کتابخانه‌ها برای کاهش هزینه‌ها و اشتراک منابع^(۱).

۵. سازمانهای استاندارد

قلمرو استانداردهای ملی، ملی، یا منطقه‌ای باشد و غالباً بیش از یک سازمان ملی در یک کشور خاص وجود دارد که اغلب در یک رشته یا رشته‌های مرتبط به هم فعالیت می‌کنند. آلن گیل کرایست^۱ این وضعیت را "جنگل استانداردها" توصیف کرده است^(۲). صدها سازمان استاندارد وجود دارد و شناسایی و توصیف فعالیت تمام آنها از حوصله این مقاله بیرون است. سازمانهای مهم تحلیل موضوعی و نمایه‌سازی موضوعی در سطح بین‌المللی از جمله سازمان بین‌المللی استاندارد (ایزو)^۲ و فدراسیون بین‌المللی انجمنها و مؤسسات کتابداری (ایفلا)^۳ هستند. از سازمانهای مختلف در سطح ملی، مؤسسه استاندارد آمریکا^۴ و قائم مقام آن، سازمان ملی اطلاعات استاندارد^۵، مؤسسه استاندارد بریتانیا^۶، سازمان استاندارد آلمان^۷، و سازمان فرانسوی استاندارد فرانسه^۸ هستند.

۶. استانداردها و دستورالعملها جهت تحلیل موضوعی

فرایند تحلیل موضوعی مدارک شامل دو مرحله مشخص و معلوم است که عبارت از تحلیل مدرک و تعیین توصیفگر موضوعی است. در هر حال، تلاشها جهت استانداردسازی تحلیل

-
1. Alan Gilchrist
 2. International Standard Organization (ISO)
 3. International Federation of Library Associations and institutions (IFLA)
 4. American National Standard Institute (ANSI)
 5. National Information Standard Organization (NISO)
 6. British Standard Institution (BSI)
 7. The German Standard Organization (DIN)
 8. The French Organization Association Francaise de Normalization (AFNOR)

موضوعی اصولاً محدود به پیدایش و ساخت زبانهای نمایه‌سازی است. اکثرآ از تحلیل موضوعی در نوشته‌ها غفلت شده است. به جز چند اشتباه (۵.۴.۳) نویسندگان معدودی مسئله تحلیل موضوعی را مطرح کرده‌اند. بیشتر نوشته‌ها در باره تحلیل موضوعی از جنبه نظری و تجربی است و استانداردها و دستورالعملها در مورد این وجه از فرایند تهیه نگردیده‌اند. در واقع اجرای استانداردسازی برای فرایند تحلیل محتوی مشکل و احتمالاً غیر ممکن است. با وجود این، استانداردها که خود در زبانهای نمایه‌سازی به کار می‌روند، همچنین منابع مرتبط با آنها، از اهمیت حیاتی برخوردار هستند.

۷. نظامهای رده‌بندی به عنوان استاندارد

نتیجه یک کاوش کامپیوتری از دو واژه "رده‌بندی" و "استاندارد"، ۱۶۵ رکورد بود. اکثر اینها مربوط به استانداردهای رده‌بندی نیستند اما با یک یا چند نظام رده‌بندی که به طور رسمی یا غیر رسمی مورد قبول قرار گرفته‌اند ارتباط دارند. یعنی نظامهای رده‌بندی خود استانداردهایی هستند که مورد قبول واقع شده‌اند و شواهد کمی حاکی از این است که "قوانین استاندارد" برای گسترش رده‌بندی وجود دارد، هرچند اصول متضمن رده‌بندی وجود دارد که می‌بایست در گسترش چنین طرحهایی مورد استفاده قرار گیرد.

با این همه، این نظامها در قلمرو خود معتبر هستند. نظامهای رده‌بندی ملی و مهم توسط سازمانها یا کمیته‌های سیاستگذاری توسعه یافته است که به استفاده کنندگان ارایه شده و از نظر حوزه عمل بین‌المللی محسوب می‌شوند. این مسئله در مورد طرح رده‌بندی دهدهی دیویی^۱ و رده‌بندی جهانی^۲ همچنین رده‌بندی کتابشناختی کتابداری^۳ در روسیه صادق است. این نظامها به دلیل ساختار اجرایی‌شان در تمام مرحله تجدید نظر تحت موشکافی دقیق قرار می‌گیرند. یک استثنای عمده، رده‌بندی کتابخانه کنگره^۴ است که چون در داخل کتابخانه کنگره اساساً برای رفع نیازهای آن کتابخانه گسترش یافته است در همان مؤسسه نیز تجدید نظر می‌گردد. از آن جایی که هر نظام رده‌بندی براساس فلسفه‌ای خاص بنا نهاده شده و دارای جنبه‌های منحصر به خود است، تعجیبی ندارد که دستورالعملها یا استانداردهای عام برای ساخت آنها ایجاد نشده باشد. با این حال نظام رده‌بندی دهدهی دیویی و نظام رده‌بندی کنگره به عنوان استاندارد در نظر گرفته

1. (Dewey Decimal Classification) DDC
2. (Universal Decimal Classification) UDC
3. (Bibliotечно - Bibliograf - ichesкая Klassifikatsiya) BBK
4. (Library of congress classification) LCC

می‌شوند که موجب ظهور آنها در پیشینه‌های ماشین‌خوان است که در سطح بین‌المللی توزیع می‌گردند. در حالی که این مسئله در مورد نظام دهمی جهانی صادق نیست، این نظام نیز چون در بسیاری از کتابخانه‌های سراسر جهان به کار گرفته شده، می‌تواند به عنوان یک استاندارد به حساب آید.

۸. توصیفگرهای زبانی و استانداردها

با بررسی نظامهای توصیفگر مشخص می‌گردد که بر دو نوع هستند: نظامهای رشته‌ای^۱ که اغلب به عنوان سرعنوانهای موضوعی بدانها اشاره می‌شود و برای نظامهای پیش‌همارا طراحی شده‌اند و نظامهای مفهومی یا توصیفگر که معمولاً به عنوان تراوس به آنها استناد می‌شود و برای نظامهای پس‌همارا طراحی شده‌اند.

متأسفانه تمایز این دو نظام اخیراً قدری مشکل است. با توجه به اهداف این بحث نظامهای رشته‌ای نظامهایی هستند که منشأ آنها در فهرست‌نویسی دستی است و هنوز نمونه ابتدایی و ازگان کنترل شده در بسیاری از فهرستهای پیوسته برای دستیابی عمومی هستند. برخلاف آن، نظامهای توصیفگر غالباً در پایگاههای اطلاعاتی پیوسته به کار گرفته می‌روند، لیکن هیچ‌گونه دلیلی وجود ندارد که چرا نباید در فهرستهای پیوسته نیز مورد استفاده واقع شوند. برخی کتابخانه‌های تخصصی و سازمانهای اطلاع‌رسانی قبلاً در این مسیر گام برداشته‌اند.

۱-۸. نظامهای پیش‌همارا

استاندارد سازی واژه‌های کنترل شده در فهرستهای پیوسته به دو طریق صورت می‌گیرد. توسط استفاده مشترک از نظامهای استاندارد سرعنوان موضوعی در سطح ملی یا بین‌المللی و یا کاربرد مجموعه‌ای از دستورالعملهای قابل قبول. شاخص یا معیار استاندارد سازی در این حیطه ابزارهایی نظیر سرعنوانهای موضوعی کتابخانه‌کنگره و فهرستهای مستند موضوعی مشابه هستند. بسیاری از فهرستها در حیطه خود از طریق استفاده تعاونی و کاربردشان در پیشینه‌های ماشین‌خوان که به طور وسیعی در سازمانهای اطلاع‌رسانی توزیع شده است تبدیل به استاندارد می‌گردند. روش دیگر، نیل به استانداردسازی از طریق طرحهای همکاری ملی برای کنترل مستند موضوعی مانند هماهنگی زبانهای نمایه سازی پرتغالی^۲ است که در تباط با پایگاه اطلاعات

1. string systems

2. Compatibilizacao de Linguagens de Indexacao em Portugues (CLIP)

کتابشناختی کتابخانه ملی لیبیون^۱ گسترش یافته است.

تاکنون هیچ‌گونه دستورالعمل بین‌المللی وجود نداشته‌است، لیکن به زودی دستورالعمل‌های مستند موضوعی و شامه‌های ارجاعی^(۶) آن منتشر خواهد شد که نمایانگر پیشرفت مهمی است. گروهی از بخش رده‌بندی و نمایه‌سازی ایفلا متشکل از اعضای از کشورهای مختلف جهان برای تهیهٔ مدرکی که یک استاندارد بین‌المللی فراهم نماید و بتواند در هر جا که مورد نیاز است به کار گرفته‌شود، مدت پنج سال تلاش کردند. این خطوط راهنما تا جایی که امکان دارد قوانینی برای ایجاد اصطلاحات و ارتباطات ساختاری بین واژه‌ها ایجاد کرده‌اند که می‌تواند توسط کتابخانه‌ها و سازمان‌های اطلاع‌رسانی در همهٔ کشورها مورد استفاده قرار گیرد. به علت تفاوت‌های موجود در ساختار زبان و روش‌های متفاوت تهیهٔ فهرست مستند موضوعی، تکمیل این دستورالعمل‌ها کار ساده‌ای نبوده‌است. هیچ مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها نمی‌تواند تا این حد زبان را مورد موشکافی قرار دهد. لیکن حضور و کاربرد آنها می‌تواند کمک بسیاری به همکاری بین‌المللی و تبادل داده‌ها بنماید.

۲-۸. نظام‌های پس‌همارا

برخلاف نظام‌های پیش‌همارا که حاصل عمل بوده به دلیل استفادهٔ مشترک، استاندارد شده‌اند، اصطلاحنامه دارای تاریخچه‌ای نسبتاً طولانی در گسترش و منطقی کردن استانداردهاست. همان‌گونه که لنکستر^۲ توصیف کرده است^(۷) منشأ استانداردهای اصطلاحنامه‌ای با ظهور نظام تک واژه‌ای^۳ موریتمر توب^۴ شروع شد که بعدها منجر به تهیهٔ نخستین اصطلاحنامه گردید که در اواخر دههٔ ۱۹۵۰ شروع شد و در اوایل دههٔ ۱۹۶۰ انتشار یافت. و انتشار نخستین دستورالعمل (دستورالعمل COSATI) منجر به انتشار استاندارد ANSIZ 39.19 در سال ۱۹۷۴ دستورالعمل‌های یونسکو برای ایجاد توسعه اصطلاحنامه یک‌زبانهٔ علوم و فون در سال ۱۹۷۰ گردید. در واقع از آن زمان به بعد گسترش دستورالعمل‌های اصطلاحنامه‌ای صورت بین‌المللی به خود گرفت. دستورالعمل‌های یونسکو بعدها اساس نخستین استاندارد بین‌المللی در مورد ساختن اصطلاحنامه گردید (ایزو^۵ - سازمان استاندارد بین‌المللی - ۲۷۸۸) که در سال ۱۹۷۴ انتشار یافت و بر استانداردهای فرانسه (انجمن فرانسوی استاندارد فرانسه)^۶ و

1. PORBASE

2. Lancaster

3. Uniterm system

4. Mortimer taube

5. ISO

6. Association Francaise de Normalization (AFNOR)

آلمان (مؤسسه استاندارد آلمان)^۱ تأثیر گذاشت. عامل مهم در توسعه استانداردهای اصطلاحنامه‌ای گسترش همپای نظامهای رده‌بندی چهاربزه‌ای و ظهور "پرسی"^۲ بوده است. جنبه‌هایی از دستورالعمل رده‌بندی اصطلاحنامه در مؤسسه استاندارد بریتانیا (BS ۵۷۲۳) در سال ۱۹۷۹ همسو شدند و منجر به یکپارچگی بیشتر در دومین ویرایش ایزو (سازمان استاندارد بین‌المللی ۲۷۸۸) گردید که در سال ۱۹۸۶ انتشار یافت.

قرار بوده است که جدیدترین دستورالعمل که جایگزین دستورالعمل پیشنهادی استاندارد ملی آمریکا برای ساخت، ساختار، و استفاده از اصطلاحنامه (ANSI Z39.18-1970) خواهد بود، در سال ۱۹۹۳ انتشار یابد. این مدرک تا حد زیادی متأثر از ایزو-۲۷۸۸ است. هر یک از این دستورالعملها قوانینی برای سه رکن اساسی هر زبان نمایه‌سازی یعنی اصطلاح‌شناسی، ساختار، و ارائه و نمایش تعیین می‌کنند.

این دستورالعملها لزوماً آخرین کلام در باره ساخت اصطلاحنامه نیستند، ولی انسجام آنها بنیادی قوی فراهم می‌آورد که می‌تواند اساس آینده برای توسعه بیشتر باشد. از لحاظ همکاری بین‌المللی و تبادل اطلاعات قدم بعدی در استانداردسازی می‌بایست در زمینه نظامهای چند زبانه باشد. اولین استاندارد که توسط یونسکو گسترش یافت در سال ۱۹۸۰ پدید آمد و به عنوان اصل ۵۹۶۴ در سال ۱۹۸۵ منتشر شد. اخیراً تحقیقات فراوانی در زمینه توسعه اصطلاحنامه چند زبانه با نتایج بسیار جالبی صورت گرفته است. کمک مهم به توسعه بیشتر اصطلاحنامه چند زبانه فعلیتی است که توسط شورای اروپا و کمیسیون جوامع اروپایی انجام یافته و شامل اصطلاحنامه اروپایی آموزش است.

۹. نتیجه

در حالی که به نظر می‌رسد تمام جهان در قلمرو اصطلاحنامه باشد پیشرفتهای مهمی در تهیه دستورالعمل برای نظامهای پیش‌هما را صورت گرفته‌است. باید به خاطر داشت که اینها تنها دستورالعمل هستند و همان‌طور که آلن‌گیل‌کرایست می‌گوید می‌بایست فقط نگاهی کوتاه بر بیشتر اصطلاحنامه‌ها بیندیشیم تا در بایبیم نویسندگان آنها تا چه حد این اسنادها را نادیده گرفته‌اند. در واقع تنها توصیه ایزو شماره ۲۷۸۸ است که عملاً به صورت استاندارد در آمده، و آن استفاده از نشانه‌های RT، NT، BT، و غیره است که اختصار اصطلاح اعم^۳، اصطلاح

1. Deutsches Institut für Normung (DIN)

2. Preserved Context Index System (PRFCIS)

3- Borader term

اخص^۱ و اصطلاح وابسته^۲ است. این گواه مثبتی است که این دستورالعملها بخش عمده آنچه را از آنها انتظار می‌رود برآورده نمی‌سازند. همچنین دستورالعمل‌هایی نظیر اینها نمی‌توانند تمام آنچه را که در دنیای چند زبانه تبادل اطلاعات لازم است انجام دهند. سازگاری و قدرت ترجمه و حرکت از یک زبان نمایه‌سازی به دیگری یکی از مهمترین چالشها در آینده است. استفاده از کدها و نشانه‌های رده‌بندی و توسعه زبانهای متغیر یا تغییر یابنده می‌بایست جایگاه خود را در کنار نمایه‌سازی الفبایی در قرن بیست و یکم بیابند. ■

مآخذ

1. Bourne, Ross. "The IFLA UBCIM Programme: Standards in the Changing World". Standards for the International Exchange of Bibliographic Information. Edited by I.C. Mc Ilwaine. London: Library Association, 1991, p.18.
2. Gilchrist, Alan. "The standards Jungle". Standards for the International Exchange of Bibliographic information. Edited by I.C. McIlwaine. London: Library Association, 1991, PP.12-17.
3. Langridge, D.W. Subject Analysis: Principles and procedures. London: Bowker-sauer, 1989.
4. Dykstra, Mary. "Subject Analysis and Thesauri: A Background." Art Documentation, 8 (Winter 1989): 173-174.
5. Maron, M.E. "On Indexing, Retrieval and the Meaning of About." Journal of the American Society for Information Science, 28 (January 1977): 38-43
6. International Federation of Library Associations and Institutions. Section on Classification and Indexing. Working Group on Guidelines for subject Authority Files. Guidelines for subject Authority Files and Reference Entries. Frankfurt: IFLA, 1993.
7. Lancaster, F.W. Vocabulary Control for Information Retrieval. 2nd ed. Arlington, Va.: 1986, p.30.
8. Aitchison, Jean, et all. Thesaurifacet: A Thesaurus and Faceted classification for

- engineering and Related Subjects. Leicester: English Electric Company , 1969.
9. American National Standards Institute. Guidelines for Thesaurus structure, construction and Use. New York: ANSI. 1974.
 10. Unesco. Guidelines for the Establishment of Monolingual Scientific and Technical Thesauri for Information Retrieval. Paris: Unesco. 1970.
 11. Lancaster , p.32.
 12. British Standards Institution. Guidelines for the Establishment and Development of monolingual Thesauri. London: BSI . 1979. (5723)
 13. International Organization for standardization. Guidelines for the Establishment and development of monoligual thesauri. 2 nd ed. Geneva: ISO, 1986. (2788)
 14. National Information standards organization. "Preposed American National standard guidelines for thesaurus construction, structure and Use. " Gaithersburg. MD: NISO, 1993? (ANSI/ NISO z39.19)
 15. International Organization for standardization. Guidelines for the Establishment and Development o Mutilingual Thesauri. Geneva: ISO. 1953 (5964)
 16. Roulin, Coretin. Towards the European education thesaurus. Brussels: BJJ Consult for EURYDICE European Unit, 1990 . (original text in french)
 17. Gilchrist. p.12.